

تحلیل جایگاه مردم در تحقق ولایت دینی با تأکید بر اندیشه‌های قرآنی حضرت آیت‌الله
خامنه‌ای رحمته‌الله‌علیه

اعظم نایب نیا^۱

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، تحلیل جایگاه مردم در تحقق ولایت دینی با تأکید بر اندیشه‌های قرآنی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای است. در فلسفه هر نظام سیاسی، مشروعیت حکومت حاکم و به تبع آن، نقش و جایگاه مردم از اهمیت مضاعفی برخوردار است. با توجه به اینکه در نظام سیاسی اسلام، حق حاکمیت، الهی است، چگونگی تبیین نقش و جایگاه مردم در این فرایند، مسئله‌ای چالش‌برانگیز است. در این پژوهش با تکیه بر روش توصیفی - تحلیلی تلاش شده تا جایگاه مردم در نظام ولایت دینی با تأکید بر اندیشه‌های قرآنی معظّم‌له تحلیل گردد. یافته‌های پژوهش نشانگر آن است که مؤلفه بنیادین در تبیین ماهیت مردم‌سالاری دینی در اندیشه معظّم‌له، حول محور «ولایت» سامان یافته و بر پایه اصول قرآنی مساوات، خلافت و کرامت الهی انسان، شورا، بیعت، امر به معروف و نهی از منکر، حق‌مداری، آزادی و حاکمیت بر سرنوشت، مشروعیت حاکمیت اسلام «الهی و مردم‌بنیان» است و مردم پایه مشروعیت‌بخشی به نظام ولایت دینی هستند و در عرصه‌های شکل‌گیری و تحقق نظام ولایتی در عصر غیبت، انتخاب ولی امر و استقرار و استمرار نظام، نقش آفرینی دارند. در نهایت مردم‌سالاری دینی، رکن تحقق نظام ولایت است و بدون حضور مردم، تحقق واقعی نظام ولایت دینی امکان‌پذیر نخواهد بود.

1 . دانش‌آموخته حوزه علمیه و دانش‌پژوه دکتری قرآن و علوم، جامعه المصطفی العالمیه، مشهد، ایران.

کلیدواژگان: آیت‌الله خامنه‌ای، نظام ولایت دینی، مردم، مردم‌سالاری دینی، اندیشه‌های قرآنی.

مقدمه

امامت به‌عنوان یک مفهوم کلیدی در اندیشه سیاسی مطلوب اسلامی از دیدگاه تشیع، در بردارنده محتوای اصلی «ولایت» است. مفهوم ولایت، چه در عصر حضور امام معصوم و چه در عصر غیبت، به تبیین رابطه میان امام و مأموم یا به عبارت دیگر، حاکم و مردم می‌پردازد و در صورت تحقق این رابطه، «نظام ولایت» پدیدار گشته که نمایانگر ساختار سیاسی و اجتماعی مبتنی بر این اندیشه است (اشرفی، ۱۳۹۸: ص ۱-۱۴). یکی از مهم‌ترین نظریات مطرح‌شده در بستر نظام اجتماعی ایران، نظریه «ولایت فقیه» است که در خصوص شیوه و نوع حکمرانی اسلامی در عصر غیبت مطرح شده است. هرچند این نظریه در گذشته وجود داشته، اما در گام نخست از جانب امام خمینی علیه‌السلام، تحقق و عینیت بخشیده شد. ایشان این الگوی بدیع حکمرانی نظام سیاسی مردم‌سالار را «جمهوری اسلامی» نامیدند که با شرایط مورد نظر دین و با پشتوانه آرای عمومی، اجراکننده احکام اسلام است (پورفرد، ۱۳۸۸: ص ۱۷۱) و الگوی حکومتی متبوع را همانا شیوه حکمرانی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امام علی علیه‌السلام و متکی به نظر عموم دانسته‌اند که شکل حکومت نیز با مراجعه به آرای مردم، تعیین می‌شود (امام خمینی، ۱۳۷۳: ص ۲۷).

بعد از رحلت امام خمینی و در دوران زعامت حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ایشان به تبیین و بسط ابعاد این نظریه پرداخته و امامت را شیوه و نسخه کارآمد اسلام برای اداره جامعه و حکومت اسلام دانسته‌اند (خامنه‌ای، ۱۳۹۱: ص ۹۰). معظم‌له با طرح اندیشه مردم‌سالاری دینی و ابتدای آن بر مایه‌های درون‌دینی نه تنها جمهوری اسلامی ایران و نظام ولایت فقیه را مصداق آن دانسته، بلکه معتقدند که نظام سیاسی صدر اسلام، اعم از حکومت نبوی و علوی نیز الگوی کامل مردم‌سالاری دینی است (مهاجرنیا، ۱۳۸۳: ص ۲۳۹) و در دوران معاصر نیز، انقلاب اسلامی را بزرگ‌ترین و

مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید معرفی کرده‌اند (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: بیانیه گام دوم، <https://khl.ink/f/41673>).

یکی از ارکان بنیادین این انقلاب و نظام سیاسی، شیوه نقش‌آفرینی و جایگاه مردم در نظام ولایت دینی است که در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای با عنوان «مردم‌سالاری دینی» از آن یاد می‌شود. بدون تردید، از جمله دغدغه‌های هر حکومت مردم‌سالار، به دست آوردن میزان نقشی است که مردم در آن حکومت ایفا می‌کنند. در نظام اسلامی نیز که در ذیل حاکمیت خداوند، بحث از نقش و اراده مردم در حاکمیت به میان می‌آید، دغدغه حکمرانی الهی و نقش‌بخشی به مردم در نظام ولایتی و حاکمیت اسلام همواره در اندیشه متفکران اسلامی از مسائل چالش‌برانگیز بوده است (شبان‌نیا، ۱۴۰۱: ص ۵-۲۶).

در همین راستا می‌توان به دیدگاه‌ها و بیانات متعدد رهبری معظم اشاره کرد که ابعاد از رابطه حاکمیت الهی و نقش‌بخشی به مردم و دخالت اراده مردم در حاکمیت را براساس نظریه «مردم‌سالاری دینی» مطرح ساخته‌اند. علی‌رغم انبوه بیانات جامع و شفاف معظم‌له در طول چند دهه اخیر، متأسفانه پژوهشی درباره مسئله جایگاه مردم در نظام ولایت دینی با تأکید بر اندیشه‌های قرآنی ایشان تدوین نشده است. از این رو پژوهش حاضر با هدف «تحلیل جایگاه مردم در تحقق نظام ولایت دینی با تأکید بر اندیشه‌های قرآنی رهبر معظم انقلاب» صورت‌بندی شده است.

درباره پیشینه موضوع پژوهش، در زمینه مردم‌سالاری دینی از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، خوشبختانه کتاب‌ها و مقالات متعددی به رشته تحریر درآمده است، لیکن در مسئله نقش و جایگاه مردم در نظام ولایت دینی، طالبی (۱۳۹۷) در مقاله «نقش مردم در نظام سیاسی مردم‌سالاری دینی»، نقش مردم را از پایگاه دانش فلسفه تبیین کرده و نشان داده است که چگونه «حق مردم» و «حق خدا» در تعیین رهبر با یکدیگر سازگاری دارند. اشرفی (۱۳۹۸) در مقاله «از ولی منتخب مردم تا مردم‌سالاری دینی؛ بررسی جایگاه مردم در نظام ولایت از منظر امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای»، نظریه «مردم‌سالاری دینی» را که از سوی آیت‌الله خامنه‌ای ارائه شده، در واقع همان شکل روزآمدشده و استمرار نظریه «ولی منتخب مردم» امام خمینی علیه‌السلام دانسته است و برای این

فرضیه استدلال کرده است. همچنین وی در مقاله دیگری با عنوان «گفتمان مردم‌سالاری اسلامی در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای» (۱۴۰۱)، به استخراج بنیان‌های اندیشه سیاسی ایشان پرداخته و نظریه مردم‌سالاری اسلامی را با تکیه بر پنج رکن توحید، کرامت انسانی، هدفداری جهان، منشأ قانون، و نبرد حق و باطل، دارای توان و قابلیت تبدیل شدن به یک الگوی اندیشه سیاسی در جهان اسلام دانسته است.

فاطمه بهروز بیاتی و دیگران (۱۴۰۰) در مقاله «جایگاه مشارکت مردم در تداوم انقلاب اسلامی با تأکید بر بیانیه گام دوم»، به تبیین تأثیر مشارکت مردم در تداوم و استمرار انقلاب اسلامی ایران پرداخته‌اند. همچنین اسماعیلی صدرآبادی و نوازی (۱۴۰۲) در مقاله «مبانی قرآنی و روایی مردم‌سالاری دینی در اندیشه آیت‌الله العظمی خامنه‌ای»، با استناد به قرآن و روایات اهل بیت علیهم‌السلام، ویژگی‌هایی چون عدالت‌محوری، حملیت از انسانیت و حقوق ملت‌ها، آزادی، پارسامحوری و شایسته‌سالاری، نوع رقابت انتخاباتی و مشارکت واقعی مردم را، مبانی این نظریه بیان کرده‌اند. براساس آنچه گذشت، مسئله اصلی پژوهش حاضر و وجه نوآورانه آن، با تکیه بر روش توصیفی - تحلیلی عبارت است از اینکه: تحلیل جایگاه مردم در تحقق نظام ولایت دینی با تأکید بر اندیشه‌های قرآنی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای چیست؟

مفهوم‌شناسی

ولایت

برخی لغت‌شناسان واژه ولایت را به معنای سرپرستی یا دوستی دانسته‌اند (ابن منظور، ۱۴۱۶: ج ۱۵، ص ۴۰۶؛ طریحی، ۱۳۷۵: ج ۱، ص ۴۵۵). حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای از متفکران و اندیشمندانی است که با نگاهی نو و بدیع به مفاهیم دینی، بیشترین تلاش نظری را درباره کالبدشکافی مفهوم ولایت داشته است. در نگاه معظم‌له، معنای اصلی ولایت در لغت، «پیوند و ارتباط» است (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ص ۳۹۳)؛ یعنی یک ارتباط و اتصال بسیار مستحکم دو چیز با

همدیگر، به طوری که آن دو را از همدیگر به آسانی جدا نتوان کرد و آن را «به هم پیچیدگی، پیوستگی و جوشیدگی» دانسته‌اند (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ص ۱۱۲).

در فلسفه نظام سیاسی معظم له، حکومت با واژه «ولایت» بیان می‌شود و شخص در رأس قدرت و کسانی که قدرت بر آنان اعمال می‌گردد، دارای ارتباط، اتصال و پیوستگی جدایی‌ناپذیرند و اگر این رابطه، رابطه محبت، التیام و پیوستگی نباشد، به واقع ولایت نیست. «ولایت، آن وقتی است که ارتباط والی یا ولی، با مردمی که ولایت بر آنهاست، یک ارتباط نزدیک، صمیمانه، محبت‌آمیز و همان طوری که خود پیامبر وجود دارد، یعنی «بعث فیهم رسولا من انفسهم»^۱ یا «بعث منهم»^۲، ... از خود مردم کسی باشد که عهده‌دار مسئله ولایت و حکومت باشد. اساس کار در حاکمیت اسلام این است.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۱: ص ۵۴؛ ر. ک: خسروپناه، ۱۳۹۶: ج ۱، ص ۱۴۱-۲۰۸).

مردم‌سالاری دینی

در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، «مردم‌سالاری دینی» به مثابه نظامی سیاسی است که در آن حاکمیت مطلق به خداوند تعلق دارد و با عقیده، ایمان و عواطف و آرای مردم پیوند خورده است (خامنه‌ای، بیانات در دیدار مردم تفرش، ۲۸/۸/۱۳۷۹، <https://khl.ink/f/11557>). به عبارتی، حقیقت مردم‌سالاری دینی این است که نظام سیاسی با هدایت الهی و اراده مردمی اداره می‌شود (خامنه‌ای، بیانات در اجتماع مردم شهرستان کاشان، ۲۰/۸/۱۳۸۰، <https://khl.ink/f/3094>). از نظر ایشان، مردم‌سالاری دینی مفهومی مرکب و انضمامی نیست؛ بلکه حقیقت واحد درون دینی است که در چارچوب مسائل دینی تعریف می‌شود: «مردم‌سالاری دینی به معنای ترکیب دین و مردم‌سالاری نیست؛ بلکه یک حقیقت واحد و جاری در جوهره نظام اسلامی است؛ چرا که اگر نظام اسلامی بخواهد بر مبنای دین عمل کند، بدون مردم نمی‌شود؛ ضمن آنکه تحقق حکومت

۱. آل عمران: ۱۶۴.

۲. جمعه: ۲.

مردم‌سالاری واقعی هم بدون مردم امکان‌پذیر نیست.» (خامنه‌ای، بیانات در دیدار با انجمن‌های اسلامی دانشجویان کشور، ۱۳/۱۰/۱۳۷۹، <https://khl.ink/f/18591>).

در تبیین نظریه مردم‌سالاری اسلامی آیت‌الله خامنه‌ای، آنچه حائز اهمیت بوده آن است که مردم‌سالاری از نظام معرفتی غرب وارد اسلام نشده و نمایانگر عدم الگوبرداری از مدل‌های غربی است (خامنه‌ای، بیانات در دیدار با کارگزاران نظام، ۱۲/۹/۱۳۷۹، <https://khl.ink/f/3039>). نظر به اینکه مفهوم مردم‌سالاری دینی در شالوده اندیشه اسلامی ریشه دارد، در تضاد بنیادین با مبانی دموکراسی غربی است و این مسئله نشان از یک هویت مستقل و الگویی بومی - اسلامی است که در مخالفت با «یکه‌سالاری» و «اندک‌سالاری»، مشارکت و حاکمیت مردم را با مرجعیت دین به رسمیت می‌شناسد (حقی، ۱۳۹۷: ص ۱۴۲). در نتیجه می‌توان این نظریه و ابتدای آن به اسلام ناب را دالّ مرکزی نظام جمهوری اسلامی دانست.

تحلیل پیوستگی‌های جامعه اسلامی

آیت‌الله خامنه‌ای در تبیین معنای ولایت الهی با استناد به آیه ﴿اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يَخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾^۱ خداوند را هم‌پیمان و دارای ارتباط و اتصال به مؤمنین دانسته است. به باور ایشان، بالاترین تأکید اسلام حول محور کلمه «ولایت» سامان یافته؛ به گونه‌ای که در آیه شریفه ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾^۲، پدیده حکومت با نام «ولایت» بیان شده و امامت را بعد از مقام رسالت، منصب دوم انبیای الهی برای اداره جامعه «منتهی به شکل امامت و ولایت، یعنی پیوند عمیق و جوشیدگی میان مردم و رهبر» تبیین کرده‌اند (خامنه‌ای، ۱۳۹۱: ص ۵۹). ایشان معتقدند در قرآن در مورد اولیای الهی سه تعبیر به کار رفته است:

۱. بقره: ۲۵۷.

۲. مانند: ۵۵.



الف) ولایت: ﴿إِنَّمَا وَلِيكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا﴾^۱ که پیوند و ارتباط، زیرمجموعه ولایت است؛

ب) اطاعت: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾^۲؛ اطاعت رسول و اولی الامر و پیروی در میدان عمل؛

ج) مودت: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾^۳ و عنصر مودت و ارتباط عاطفی را پشتوانه محکمی دانسته که با فقدان آن، اطاعت و ولایت نیز به مانند صدر اسلام کنار گذاشته می شود (خامنه‌ای، بیانات در دیدار با جمعی از طلاب و روحانیون، ۱۳۸۸ / ۹ / ۲۲، <https://khl.ink/f/8513>).

ایشان با استناد به آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ﴾^۴، ذیل اصل ولایت قرآنی، جامعه اسلامی را به مثابه یک ارگانیکم زنده و یک پیکر واحدی دانسته‌اند و پیوندهای میان امت اسلامی در چارچوب اصل ولایت را در سه بُعد حفظ پیوندهای داخلی، قطع پیوند و وابستگی به قطب‌های خارجی و حفظ ارتباط دائمی و عمیق با قلب امت اسلامی، یعنی امام جامعه تبیین نموده‌اند (خامنه‌ای، ۱۳۹۲: ص ۴۳۷).

جایگاه مردم در تحقق ولایت دینی با تکیه بر اندیشه‌های قرآنی رهبری

الف) مردم پایه مشروعیت بخشی به نظام ولایی

در ادبیات سیاسی اسلام، حکومت از حقوق الهی است و در اندیشه سیاسی آیت الله خامنه‌ای نیز حکومت و ولایت از آن خداوند است: ﴿الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ

۱. مائده: ۵۵.

۲. نساء: ۵۹.

۳. شوری: ۲۳.

۴. مائده: ۵۱.



لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ ﴿۱﴾ (خامنه‌ای، ۱۳۹۱: ص ۷۴) و حاکم جز خدای متعال کس دیگر نیست: ﴿اللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ﴾ ﴿۲﴾؛ (خامنه‌ای، ۱۳۹۲: ص ۴۵۸). لذا براساس جهان‌بینی توحیدی، انحصار حاکمیت، ولایت و مالکیت مطلق، متعلق به خداست: ﴿لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ﴾ ۳ و اعتقاد به حاکمیت الهی، مبنای فلسفه سیاسی و اجتماعی اسلام است (خامنه‌ای، ۱۴۰۱ (الف): ص ۳۹). از این رو در نظام جهان‌بینی توحیدی، هیچ حاکمیتی مشروعیت نمی‌یابد؛ مگر آنکه منصوب و مأذون از طرف خدا باشد. خداوند متعال، این ولایت را از مجاری خاصی اعمال می‌کند و در حقیقت این ولایت، ولایت و حق خداست که بر مردم اعمال می‌شود (خامنه‌ای، بیانات در دیدار با کارگزاران نظام، ۲۰/۴/۱۳۶۹، <https://khl.ink/f/2335>).

از نظر معظم‌له نظام سیاسی مطلوب، «نظام ولایت» بوده و منحصر در سه سطح است و خداوند متعال، حق اعمال حاکمیت را به پیامبر داده است: ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ﴾ ﴿۴﴾ (خامنه‌ای، ۱۳۹۲: ص ۴۶۰). سطح بعدی، ولایت امامان معصوم علیهم‌السلام است: ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾ ﴿۵﴾ و اهل بیت عصمت مصداق اتم خلفای الهی هستند. مرحله سوم، ولایت فقیه است که به عصر غیبت امام عصر علیه‌السلام اختصاص دارد و این سطوح سه‌گانه ولایت، مجاری اعمال حق الهی هستند. در نتیجه، تز و ایده نظام اسلامی پیش‌بینی نمی‌کند روزی را که در جامعه حکومت نباشد: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾ ﴿۶﴾. لذا مشروعیت نظام حکومت ولایی، ناشی از اراده الهی است و تنها قدرت برحق و مورد پذیرش در چارچوب نظریه امامت شکل می‌گیرد (همان: ص ۴۶۰ - ۴۶۳). با توجه به آنکه خداوند

۱. فرقان: ۲.

۲. آل عمران: ۶۸.

۳. تغابن: ۱.

۴. مائده: ۵۵.

۵. مائده: ۵۵.

۶. نساء: ۵۹.



مالک حقیقی بنده خویش است، والاترین حق، حق خداوند بر انسان‌هاست و حق دارد هر نوع تصرفی را بر بنده خود اعمال نماید. در نتیجه معقول‌ترین راه مشروعیت حکومت، واسپاری حق حکومت بر مردم به یکی از بندگان خویش است (مصباح یزدی، ۱۳۹۴: ص ۱۲۰).

به‌رغم انحصار حق حاکمیت مطلق الهی در اندیشه معظم‌له، و اینکه هیچ‌کس واجد صلاحیت برای حکومت نیست، مگر آنکه معیارهای ولایت الهی را دارا باشد؛ لیکن ایشان معتقدند که همین حکومت الهی را اگر مردم نخواهند، شکل نمی‌گیرد یا پایه مشروعیت خود را از دست می‌دهد و این نوع نگاه ایشان، خلاف نگاه مدعیان سکولار مذهبی است که معتقدند حکومت دینی برای مردم هیچ شأن و جایگاهی قائل نیست^۱ (گنجی، کیان، ۱۳۷۷) و خوانش استبدادی از نظام دینی و ولایت فقیه، از پرتکرارترین گزاره‌های آنان است و نیز خلاف نظر برخی از اندیشمندان اسلامی است که معتقدند مشروعیت نظام سیاسی، صرفاً الهی است و مردم را عاملی برای مقبولیت این مشروعیت تلقی می‌کنند^۲ (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۸۰: ج ۲، ص ۱۶-۲۲).

معظم‌له با تأکید بر نقش آفرینی مردمی، آن را یک اصل اسلامی با خاستگاهی قرآنی، روایی و تاریخی در نظام اسلامی دانسته و با صراحت، مشروعیت نظام سیاسی اسلام را، الهی و مردم‌بنیان و منشأ اعمال حکومت را مشروعیت مردمی می‌داند: «مشروعیت ولایت و حکومت به بیعت مردم وابسته است یا بگوئیم فعلیت زمامداری و حکومت به بیعت مردم وابسته است.» (خامنه‌ای، بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۶/۳/۲۲، <https://khl.ink/f/21495>). به عبارتی به باور ایشان، بیعت سازوکار فعلیت مشروعیت حاکمیت است و در نظام مردم‌سالاری دینی، دو پایه برای مشروعیت نظام سیاسی پیش‌بینی شده است: یکی پایه الهی و دیگری پایه مردمی؛ که پایه مردمی از

۱. از نظر ابراهیم یزدی دبیر کل نهضت آزادی «جامعه ولایی، انحصارگر و مستنبد است و ارزشی ۱ برای توده‌های مردم قائل نیست.»؛ (گنجی، کیان، ۱۳۷۷).

۲. از نظر مصباح یزدی، مشروعیت سیاسی با مشروعیت دینی تلازمی ندارد؛ زیرا مشروعیت دینی ۲ خود مشروعیت سیاسی را در پی دارد: «از دیدگاه ما مقبولیت با مشروعیت تلازمی ندارد؛ یعنی مشروعیت ولایت فقیه که ادامه ولایت معصومان است، منوط به مقبولیت آن نیست و مقبولیت فقط به حکومت دینی عینیت می‌بخشد.»؛ (مصباح یزدی، ۱۳۸۰: ج ۲، ص ۱۶-۲۲).



طریق انتخاب مردم و رأی آنان تأمین می‌شود. همچنین پذیرش فرد دارای صلاحیت‌های لازم برای حکومت کردن توسط مردم ضروری است و در صورت وجود تمامی صفات و ملاک‌ها اگر مردم او را نپذیرند، نمی‌تواند حکومت کند (گنجی، ۱۴۰۱: ص ۴۹۹).

البته معظم‌له در بیاناتی در سال ۱۳۸۲ فرموده‌اند که پایه مشروعیت فقط رأی مردم نیست و پایه اصلی را تقوا و عدالت دانسته‌اند؛ لیکن معتقدند که تقوا و عدالت هم بدون رأی و مقبولیت مردم کارایی ندارد و لذا رأی مردم لازم و ضروری است. بنابراین، آن کسی که ولایت برای او تنفیذ می‌شود، در هر مرتبه‌ای از ولایت، باید اهلّیت و صلاحیت یعنی عدالت و تقوا داشته و مردم هم او را بخواهند. (خامنه‌ای، بیانات در بیانات با جمعی از دانشجویان قزوین، ۱۳۸۲/۹/۲۶، <https://khl.ink/f/5703>). ایشان در تلفیق میان اسلامیت و جایگاه مردم، به فرازی از خطبه سوم نهج البلاغه استناد کرده و می‌فرمایند:

«شما ملاحظه کنید در فرمایش امیرالمؤمنین علیه السلام در آن جمله معروف که "لو لا حضور الحاضر و قیام الحجة بوجود الناصر و ما اخذ الله علی العلماء ان لا یقاروا علی کظة ظالم و سغب مظلوم لالقیة حبلیها علی غاریها"۱، هم نقش مردم مورد تذکر قرار گرفته است، هم حق مردم. "نقش مردم" یعنی اگر مردم نیابند سراغ آن کسی که خود را صاحب حق می‌داند و می‌خواهد مسئولیتی قبول کند، بر او واجب نیست دنبال آن حق برود: "لَالْقِیْتُ حَبَلُهَا عَلٰی غَارِیْهَا"؛ مردم نبودند، من وظیفه‌ای نداشتم، تکلیفی نداشتم. نقش مردم این قدر مهم است. حتی کسی مثل امیرالمؤمنین، علی بن ابی طالب، اگر مردم با او نباشند، دورویش نباشند، می‌گوید من تکلیفی ندارم. اگر چنانچه مردم آمدند، آن وقت بر او واجب است که مسئولیت را بپذیرد؛ لذا حضرت مسئولیت را قبول کرد. ... نقش مردم این قدر مهم است...» (خامنه‌ای، بیانات در دیدار ائمه جمعه سراسر کشور، ۱۳۸۲/۱۰/۱۰، <https://khl.ink/f/54960>، ۱۴۰۲).



در تحلیل کلام رهبری معظم، باید دانست که ایشان ۲۵ سال خانه‌نشینی امیرالمؤمنین علیه السلام، با وجود دارا بودن مقام امامت و ولایت را به دلیل عدم پذیرش و مقبولیت مردمی و بیعت با دیگران، برترین مصداق و نمونه عملی در جهان اسلام در نقش بخشیدن به جایگاه مردم در مشروعیت بخشی به حکومت و مسئولین می‌دانند. بدین روی «اگر مردم با حاکمی بیعت نکنند و او را نخواستند، ولو امیرالمؤمنین علیه السلام باشد ... این حکومت در واقع پایه مشروعیت خودش را از دست داده است.» (خامنه‌ای، بیانات در جلسه پرسش و پاسخ مدیران و سردبیران نشریات دانشجویی، ۱۲/۴/۱۳۷۷). (<https://khl.ink/f/7571>).

در تبیین نقش بخشیدن به مردم در نظام مردم‌سالاری دینی، پاسخ به این پرسش ضروری است که آیا مقوله مردم‌سالاری، آن‌هم از نوع اسلامی، بنا به اعتقاد گروهی از روشنفکران دینی، عنوانی خودممتناقض و پارادوکسیکال (حائری یزدی، ۱۹۹۵: ص ۲۱۶) است؟ چرا که یکی از مقومات مردم‌سالاری، نبود هیچ سلطه و ولایتی بر احدی از مردم است. معظم‌له معتقدند که در اسلام دوگانه‌ای به نام اراده الهی و اراده مردم در عرض یکدیگر نیست؛ بلکه مشروعیت همه چیز، از جمله اراده مردم در طول اراده الهی بوده و تعارض ظاهری میان آن‌ها وجود ندارد. بنابراین بنیاد مردم‌سالاری، برخاسته از متن دین است و مردم هم در شکل و نوع حکومت سالارند.

«در قانون اساسی ما ... نظام بدون حمایت و رأی و خواست مردم، در حقیقت هیچ است ... اسلام‌گرایی در نظام اسلامی، از مردم‌گرایی جدا نیست. مردم‌گرایی در نظام اسلامی، ریشه اسلامی دارد. وقتی ما می‌گوییم "نظام اسلامی"، امکان ندارد که مردم نادیده گرفته شوند. پایه و اساس حق مردم در این انتخاب، خود اسلام است؛ لذا مردم‌سالاری ما که مردم‌سالاری دینی است، دارای فلسفه و مبناست.» (خامنه‌ای، بیانات در مراسم دوازدهمین سالگرد رحلت امام خمینی، ۱۴/۳/۱۳۸۰). (<https://khl.ink/f/3068>). بنابراین، با استناد به اصل «حق‌مداری انسان» در جامعه باید این پیش‌فرض را پذیرفت که مردم در حیطة امور سیاسی و حکمرانی اجتماعی نقش‌آفرین هستند.

از این رو به بیان ایشان، خلاصه جمهوری اسلامی، خدا و مردم است؛ «یعنی پیروزی الهی و نصرت الهی در کنار مؤمنان. مؤمنان این‌قدر بها داده می‌شوند در قرآن، ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَمَنِ



اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿۱﴾ (خامنه‌ای، بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۴/۳/۱۳۶۱، <https://khl.ink/f/1518>). به عبارتی مشروعیت الهی و مردمی پذیرفته شده و هر دو لازم و ملزوم یکدیگرند. فقدان هریک عامل، نفی مشروعیت نظام سیاسی و وجود هر دو وجه، موجب مشروعیت و تقویت حکومت فقیه خواهد بود. در نتیجه، مشروعیت دادن به رأی و بیعت مردم، یک اصل اسلامی است (خامنه‌ای، بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۲۲/۳/۱۳۶۶، <https://khl.ink/f/21495>). لذا مقبولیت جزئی از مشروعیت و در اصل همان مشروعیت دو بُعدی و دو پایه است.

این مهم در فلسفه سیاسی معظم له نیز به نوع نگاه ایشان به سرشت و ماهیت انسان برمی‌گردد. به باور ایشان، انسان موجودی اجتماعی و دارای دو بعد جسمانی و روحانی است و خداوند در قرآن کریم به فرزندان آدم کرامت بخشیده و تمام اقوام و نژادها و رنگ‌ها، را دارای شرافت و کرامت ذاتی می‌داند لذا به «محکومیت تبعیض نژادی» تأکید دارند. از این رو در بیان شاخص‌های اساسی مکتب سیاسی اسلام، به مسئله اعتقاد راسخ و صادقانه به نقش مردم، تأکید کرده و مؤلفه «توجه به کرامت انسان» و تعیین‌کننده بودن اراده و هویت انسانی و جایگاه وجودی «خلافت الهی انسان»^۲ را مبنای این فلسفه دانسته و زمین را از آن جهت ارزشمند می‌داند که انسان روی آن زندگی می‌کند: ﴿وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾^۳ (خامنه‌ای، بیانات در بیانات در جمع پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۰/۱۰/۱۳۶۹، <https://khl.ink/f/2400>)؛ لذا می‌فرماید خداوند بعد از تصریح به مقام خلافت حضرت داوود، حکمرانی را بر وی مترتب می‌سازد: ﴿يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ﴾^۴ (خامنه‌ای، ۱۳۹۱: ص ۱۶۰-۱۶۴)؛ یعنی

۱. انفال: ۶۴.

۲. انعام: ۱۵۶.

۳. بقره: ۳۰.

۴. ص: ۲۶.



انسان جانشین خدا و حاکم بر سرنوشت خویش است و حکمرانی و به دست گرفتن زمام جامعه، از شئون خلافت الهی انسان است (صدر، ۱۳۹۹: ص ۹).

در نگاه معظم له، انسان دارای دو نوع کرامت تکوینی و اکتسابی است و نتیجه این ارزشمندی و کرامت آن است که در اداره سرنوشت بشر و یک جامعه، آراء مردم باید نقش اساسی ایفا کند. نظام اسلامی نیز «معتقد به کرامت انسان است؛ انسان بما هو انسان، نه انسان فلان منطقه، انسان فلان نژاد، انسان فلان رنگ: ﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ﴾^۱ (خامنه‌ای، بیانات در دیدار با فرماندهان سپاه پاسداران، ۲۶/۵/۱۴۰۲، <https://khl.ink/f/53582>). در حقیقت یکی از ارکان مردم‌سالاری اسلامی، «اصل مساوات» و برابری مردم و تساوی حقوقی همه افراد صرف نظر از تفاوت‌ها و تمایزهای موجود میان آن‌ها و ممنوعیت تحقیر اقوام و جنسیت‌هاست که معظم له با اتکای بر سیره نبوی و علوی، به آن استناد می‌جویند (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ص ۳۵)؛ چرا که آموزه برابری و مساوات، با حق حاکمیت بر سرنوشت، ملازمه دارد.

از نظر رهبری معظم، انسان محوری در اسلام، یعنی تمام این چرخ و فلک آفرینش بر محور وجود انسان می‌چرخد: ﴿وَسَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ﴾^۲ تکریم انسان نیز هم مرحله تشریح و هم تکوین را دربر گرفته و بی‌نهایت استعداد برای پیمودن مسیر الهی در درون آدمی است: ﴿لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ﴾^۳ (خامنه‌ای، بیانات در دیدار با کارگزاران نظام، ۱۲/۹/۱۳۷۹، <https://khl.ink/f/3039>)، تا وی با اختیار و اراده سرنوشت خود را تعیین و سیر تعالی و تکاملی را تا آخرین نقطه تعالی حیات ممکنات و رسیدن به «حیات طیبه» که هدف آفرینش انسان است، طی نماید: ﴿مَنْ عَمِلْ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً﴾^۴ (خامنه‌ای، بیانات در دیدار با اقشار مختلف بانوان، ۲۷/۹/۱۴۰۳، <https://khl.ink/f/58656>). بنابراین،

۱. اسراء: ۷۰.

۲. جاثیه: ۱۳.

۳. تین: ۴.

۴. نحل: ۹۷.



مردم‌سالاری دینی را می‌توان کامل‌ترین نوع دموکراسی در عصر حاضر و شیوه زندگی مدرن به شمار آورد (مصباح یزدی و دیگران، ۱۳۸۸: ص ۵۹) که دارای خاستگاهی قرآنی مبتنی بر جایگاه خلافت الهی، اصل مساوات و برابری و کرامت ذاتی انسان‌هاست.

(ب) مردم، تحقق و تشکیل نظام ولایی در عصر غیبت

در نظام سیاسی اسلام گرچه حاکمیت و ولایت مختص خداوند است، لیکن با برخورداری اسلام از بینشی توحیدی و کل‌نگر، هیچ بخشی از دایره آموزه‌های دینی خارج نیست و مردم در تأسیس و شکل‌گیری حکومت و تداوم و استمرار آن دارای نقش و اثرگذاری هستند (محسنی نیکو و دیگران، ۱۴۰۲: ص ۱۵۵-۱۷۸). براساس مبانی انسان‌شناسی معظم‌له، لازمه مقام خلیفه‌الهی آن است که انسان مدیریت دنیا را وظیفه خود بداند و این بدون تشکیل و تحقق حکومت، راه به جایی نمی‌برد (خامنه‌ای، بیانات در دیدار با دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۶/۲/۲۵، <https://khl.ink/f/3383>).

در اندیشه سیاسی معظم‌له، مردم‌سالاری دینی مقوله‌ای دو وجهی است و در این راستا نگاه اسلام به انسان و محور بودن انسان، موضوعی بنیادی است. «انسان موجودی است مکلف، مختار و مواجه با هدایت الهی: ﴿الْمَنْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ* وَلِسَانًا وَشَفَتَيْنِ* وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ﴾^۱؛ می‌تواند هدایت را انتخاب کند، می‌تواند ضلالت را انتخاب کند. انسان موجودی است متعهد، برای خود و جامعه، ... با این نگاه، مردم‌سالاری علاوه بر اینکه یک حق است، یک تکلیف هم می‌شود؛ یعنی همه مردم در امر حکومت جامعه مسئول‌اند.» (خامنه‌ای، بیانات در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۳۸۹/۹، <https://khl.ink/f/10664>).

در نهایت آنچه که سرنوشت نهایی انسان را تنظیم می‌کند، انتخاب خود انسان بوده و خدای متعال این توانایی را به وی داده است که انتخاب نماید. در نگاه ایشان، مردم‌سالاری یعنی تشکّل نظام به وسیله اراده و رأی مردم و این مردم، نظام و دولت، نمایندگان و مسئولان را به واسطه یا بی‌واسطه



انتخاب می‌کنند (خامنه‌ای، بیانات در دیدار با کارگزاران نظام، ۱۳۷۹ / ۹ / ۱۲، <https://khl.ink/f/3039>). از این رو «بدون آراء مردم، بدون حضور مردم و بدون تحقق خواست مردم، خیمه نظام اسلامی، سرپا نمی‌شود و نمی‌ماند.»؛ (خامنه‌ای، بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۸ / ۳ / ۱۴، <https://khl.ink/f/2955>).

معظم‌له با تطبیق آیه ﴿فَأَتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا﴾^۱ بر حوادث انقلاب اسلامی، هنر بزرگ امام خمینی را کشف یک سرّی از اسرار آفرینش دانسته و آن توده‌های عظیم مردم و قدرت الهی از طریق نیروی عاّمه مردم است که در تکوین انقلاب تجلی یافت (خامنه‌ای، ۱۴۰۱ (ج): ص ۵۷-۵۹). لذا «در مکتب سیاسی امام، رأی مردم به معنای واقعی کلمه تأثیر می‌گذارد و تعیین‌کننده است... در مکتب سیاسی امام، مردم‌سالاری از متن دین برخاسته است؛ از ﴿وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ﴾^۲...، از ﴿هُوَ الَّذِي أَيْدِكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ﴾^۳ برخاسته است. ما این را از کسی وام نگرفته‌ایم.» (حاجی انزهایی، ۱۳۹۶: ص ۱۰۸).

بی تردید ولایت اصیل تنها از آن خداوند است، و اصل اولیه، عدم ولایت و سیطره هر انسانی بر انسان دیگر است، مگر به اذن الهی؛ از این رو سلطنت و حق حاکمیت انسان بر سرنوشت اجتماعی خویش، امری عقلایی است. لذا «اصل آزادی» انسان در انتخاب و اراده، یک عنصر اساسی مردم‌سالاری دینی است. در فلسفه سیاسی رهبری، ریشه آزادی در فرهنگ اسلامی جهان‌بینی توحیدی است: ﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا﴾^۴ (خامنه‌ای، ۱۳۹۳: ص ۱۹۹). این در حالی است که مکتب غربی لیبرالیسم، ریشه آزادی را خدادادگی نمی‌داند. آزادی انسان در نظر آن‌ها منهای حقیقتی به نام دین و خداست: ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ

۱. حشر: ۲.

۲. شوری: ۳۸.

۳. انفال: ۶۲.

۴. آل عمران: ۶۴.

السَّبِيلِ إِذَا شَاكَرًا وَإِذَا كَفُورًا ﴿۱﴾؛ انسان در انتخاب راه آزاد است و می‌تواند آن را بپذیرد و یا رد کند و مسئولیت سرنوشت خویش را براساس «حق انتخاب‌گری» رقم بزند. بنابراین پذیرش اسلام، رأی مشتاقانه به ولایت و رهبری الهی است و این نخستین گام و نقش مردم در تحقق و فعلیت یافتن نظام سیاسی و حکومت دینی است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۳: ج اول، ص ۱۵۲).

از منظر اندیشمندان اسلامی ولایت انتصابی فقیه، نظام سیاسی اسلامی هیچ‌گاه بدون خواست و اراده مردم ایجاد نمی‌شود. بنابراین، تمایز حکومت دینی اسلامی با حکومت‌های جابر در این است که حکومت اسلامی، براساس عشق و علاقه مردم به دین شکل می‌گیرد (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ص ۸۳) و مردم می‌توانند و تکویناً در پذیرش یا عدم پذیرش حکومت دینی آزادند (همان: ص ۴۹۰). بدین‌روی بیعت در نظام اسلامی یک شرط اصیل برای حقانیت زمامداری زمامدار است. به عبارتی، «بیعت منجزکننده حق خلافت است؛ آن ارزش‌ها آن وقتی می‌تواند فعلاً و عملاً کسی را به مقام ولایت امر برساند که مردم هم او را بپذیرند و قبول کنند.» (خامنه‌ای، بیانات در اولین کنگره نهج‌البلاغه، ۱۳۶۰/۲/۲۹، <https://khl.ink/f/23349>؛ ر. ک: خامنه‌ای، ۱۴۱۵ق: ج ۱، ص ۴۹-۵۲).

معظم‌له با اشاره به گزاره قرآنی ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يَبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ﴾ ۲ حکومت اسلامی را، حکومتی موافق حکم خدا و میل و رأی مردم معرفی کرده‌اند (خامنه‌ای، بیانات در فرانسه، نوفل‌لوشاتو، ۱۳۵۷/۸/۲۱، <https://khl.ink/f/13996>). در این آیه که بر ضرورت رعایت بیعت و عدم جواز تخلف از آن تأکید شده، بیعت با پیامبر ﷺ به منزله بیعت با خداوند تلقی گردیده که به صراحت بر مشروعیت بیعت دلالت دارد. در نتیجه مردم منشأ مشروعیت و مقبولیت حاکمیت‌اند (منتظری، ۱۳۷۸: ص ۶۴) و در تکوین، پویایی و پایایی

۱. انسان: ۳.

۲. فتح: ۱۰.

حکومت اسلامی، نقش آفرینی اساسی دارند و رأی و نظر مردم به مثابه بیعت در صدر اسلام میان امت و ولی جامعه است.

ج) مردم و انتخاب ولی امر در نظام ولایی

یکی از ویژگی‌های مهم نظام ولایت، شیوه نقش آفرینی مردم در انتخاب ولی امر است؛ به گونه‌ای که در نظام ولایت، مردم از میان کسانی که واجد شرایط عمومی رهبری در عصر غیبت اند، رهبر نظام اسلامی را براساس حق تعیین سرنوشت خود انتخاب می‌کنند. معظم‌له با بیان اینکه در اسلام، حکومت «اللّه» با اصل «حاکمیت مردم بر سرنوشت خود» هیچ منافاتی ندارد و در حاکمیت مردم بر طبق فرمان خدا اجازه و امکان تصمیم‌گیری و اقدام داده شده است، با استناد به آیه شریفه ﴿ وَ تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً ﴾^۱ حکومت را، حکومت مستضعفان دانسته، به گونه‌ای که منافاتی ندارد که حکومت مستضعفان و مردم به معنای حکومت خدا و در چهارچوب احکام الهی باشد (خامنه‌ای، بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۲/۵/۱۴، <https://khl.ink/f/25307>).

در حقیقت در تحلیل بیانات معظم‌له، حرکت کلی جامعه و حکومت به دوش مردم و تابع اختیار آن‌هاست و حاکمیت یافتن مجتهد عادل نیز منوط به انتخاب مردم است. ویژگی اصلی انسان در جهان‌بینی توحیدی ایشان، «اختیار و قدرت بر انتخاب» است و آنچه بر دوش پیامبران الهی بوده، جز هدایت، بشارت و انذار نیست: ﴿ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ﴾^۲ (خامنه‌ای، ۱۳۹۱: ۱۶۷). از این‌روست که هیچ اجبار و اکراهی در نظام اسلام وجود ندارد: ﴿ لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ ﴾^۳ (خامنه‌ای، بیانات در نماز جمعه تهران، ۱۳۶۵/۱۱/۱۷، <https://khl.ink/f/21490>).

۱. قصص: ۵.

۲. فرقان: ۵۶.

۳. بقره: ۲۵۶.



در منطق اسلام، اداره امور جامعه و مردم، با هدایت قرآنی و احکام الهی است و در این قوانین الهی، مردم دارای شأن و جایگاه هستند و بر سرنوشت خویش حاکمیت دارند: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾^۱. در حقیقت تعیین سرنوشت کشور در دست مردم است: «اراده خدای متعال به نفع یک ملت، تابع اراده آن ملت است. هیچ حقیقت و واقعیتی در متن زندگی یک ملت به اراده الهی تغییر پیدا نمی‌کند؛ مگر وقتی که خود آن ملت بر آن همت بگمارد. این صریح آیات قرآنی و جزو معارف قطعی دینی است.» (خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از مدیران و فعالان فرهنگی دفاع مقدس، ۶/ ۷/ ۱۳۷۹، <https://khl.ink/f/3026>). لذا براساس این اصل قرآنی حق حاکمیت بر سرنوشت، کلید تحولات عظیم اجتماعی در دست انسان‌هاست (بیانات در دیدار دانشگاهیان سمنان، ۱۸/ ۸/ ۱۳۸۵، <https://khl.ink/f/3362>).

قرآن کریم با بیان «اصل شورا»، مشورت با مردم و شرکت دادن آنان در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی را از وظایف رهبران اسلام و نظام اجتماعی مؤمنان را متکی بر اصل شورا و مشورت دانسته است (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۷، ج ۲۸، ص ۲۹۱). در فلسفه نظام سیاسی معظم‌له، «اصل شورا به مثابه الگوی اجتماعی حاکمیت مردم»، یک نمونه پیش‌بینی شده اسلام برای حضور آحاد مردم و اراده انسانی در کارهاست: «نظام سیاسی - اجتماعی اسلام متکی به اصل مشورت است» (خامنه‌ای، بیانات در بیانات با مسئولان شوراهای اسلامی، ۴/ ۳/ ۱۳۷۸، <https://khl.ink/f/2949>) و «مردم‌سالاری اسلامی هم که ما گفتیم، متّخذ از متن اسلام و متن قرآن است: ﴿وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ﴾؛ (خامنه‌ای، بیانات در دیدار با کارگزاران حج، ۲۵/ ۴/ ۱۳۹۷، <https://khl.ink/f/40145>).

معظم‌له اسلام را منادی و پیشرو در برپایی حکومت‌های مردمی و شورایی براساس چهارچوب وحی و قوانین الهی دانسته‌اند: «پیامبر گرامی اسلام، به فرمان الهی ﴿وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ﴾^۲ در مهمات حکومتی اسلام مشورت می‌فرمودند» (خامنه‌ای، بیانات در پیام به کنفرانس بین‌المجالس

۱. رعد: ۱۱.

۲. آل عمران: ۱۵۹.



اسلامی، ۲۵ / ۳ / ۱۳۷۸، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=2956>.
 بنابراین، اصل شورا رهیافت اعمال حق حاکمیت آحاد مؤمنان، در نظام سیاسی - اجتماعی و وصول
 به مردمسالاری دینی است.

آیت الله خامنه‌ای معتقدند که «حق تعیین سرنوشت» انسان غیرقابل سلب و انکار است و در این
 راستا به «حق ملت و امت» و به حقوق متقابل مردم و دولت اشاره می‌کنند. معظم‌له در نظام
 مردمسالار دینی، به اصل «آزادی انسان» در چهارچوب دین و در انتخاب فقیه و حاکم دینی و
 ملازمه آن با حق تعیین سرنوشت اشاره کرده و آزادی را یک حق در مقابل باطل: ﴿ مَا خَلَقْنَاهُمَا إِلَّا
 بِالْحَقِّ ﴾^۱ بیان می‌کنند (خامنه‌ای، بیانات در چهارمین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۳۹۱/۸/۲۳،
<https://khl.ink/f/21471>).

ایشان گزاره قرآنی ﴿ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ ﴾^۲ را واضح‌ترین آیه قرآن در
 خصوص اصل «آزادی انسان» دانسته، که «اصر» را برمی‌دارد (محمدی، ۱۳۸۵: ص ۳۵). به
 عبارتی، آزادی در قرآن کریم، به معنای مصون ماندن از اراده مستبدانه و در حقوق انسان، از قبیل
 آزاداندیشی، انتخاب عقیده، اظهار نظر و حق انتخاب نظام اجتماعی دل‌خواه، تجلّی می‌یابد که
 دارای پیوند وثیقی با جهان‌بینی توحیدی است.

معظم‌له با استناد به آیه شریفه ﴿ لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ ﴾^۳، آزادی اجتماعی و
 حق تصمیم‌گیری، عمل و اندیشه و بیان را برای تمامی افراد جامعه یقینی می‌دانند (خامنه‌ای، بیانات
 در نماز جمعه تهران، ۱۷ / ۱۱ / ۱۳۶۵، <https://khl.ink/f/21490>). بنابراین، تحمیل عقیده را
 باطل و آن را منشأ دیکتاتوری دانسته و بر آزاد و مختار بودن انسان در مسیر تعالی و همچنین مسئول
 بودن وی در اعمال و اقداماتش براساس اصل آزادی و در چارچوب قانون اسلام تأکید می‌کنند.

۱. دخان: ۳۹.

۲. اعراف: ۱۵۷.

۳. بقره: ۲۵۶.



د) مردم، استقرار و استمرار نظام ولایی و نظارت همگانی

در منظومه فکری معظم‌له، حفظ و بقای نظام ولایت، به‌مانند تأسیس آن، متکی به حضور و نقش‌آفرینی مردم است و موجودیت، حیات و پویایی جمهوری اسلامی را وابسته به پشتوانه مردمی می‌داند (خامنه‌ای، بیانات در سی‌ودومین سالگرد رحلت امام خمینی علیه‌السلام، ۱۴/۳/۱۴۰۰، <https://khl.ink/f/47991>). بنابراین، حضور و مشارکت مردم، چه در شأن تأسیسی حکومت دینی و چه در تداوم، حفظ و بقاء آن، برخاسته از آن نگرشی است که مردم‌سالاری را همواره عامل اصلی موفقیت‌ها و پایداری ملت ایران دانسته است (خامنه‌ای، بیانات در بارگاه حضرت علی‌بن‌موسی‌الرضا علیه‌السلام، ۱/۱/۱۳۸۸، <https://khl.ink/f/6082>). از این‌روست که ایشان معتقدند: «اگر مردم در صحنه نباشند و حضور جدی نداشته باشند، حتی اگر رهبر آنان در حد وجود مبارک امیرالمؤمنین علیه‌السلام باشد، نظام اسلامی سقوط می‌کند.» (خامنه‌ای، بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۲۲/۳/۱۳۶۶، <https://khl.ink/f/21495>).

معظم‌له با تأکید بر نقش مشارکت سیاسی مردم در نظام ولایی، با استناد به آیه ﴿وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ﴾^۱ آزادی سیاسی را عبارت از نقش‌آفرینی و تأثیرگذاری افراد جامعه اسلامی در تکوین و هدایت نظام سیاسی به سمت مطلوب دانسته (خامنه‌ای، ۱۳۹۱: ۱۷۲) و معتقدند که حماسه حضور مردم در انتخابات، عامل ثبات و استقرار شجره طیبه نظام اسلامی است (خامنه‌ای، بیانات در مصاحبه پس از شرکت در انتخابات ریاست جمهوری، ۲۷/۳/۱۳۸۴، <https://khl.ink/f/8868>). در بیانات معظم‌له، نقش و جایگاه آراء مردم و رضایت جامعه از حکومت مردم‌سالاری، از جنبه دیگری نیز مهم و بسیار قابل‌اعتناست و آن «حفظ اصل نظام اسلامی» است (خامنه‌ای، بیانات در سالروز قیام مردم قم، ۱۹/۱۰/۱۳۸۰، <https://khl.ink/f/3101>).

آیت الله خامنه‌ای به مثابه یک اندیشمند مسلمان، تنها راه حفظ نظام اسلامی را، نظارت همگانی و حضور آگاهانه مردم در صحنه دانسته و به مسئله کنترل و نظارت عمومی و نقش عنصر نظارتی مردم در قالب دو فریضه الهی «امر به معروف و نهی از منکر»^۱ اهتمام جدی دارند. به باور ایشان حضور مردم، یک حضور قطعی در باب حکومت اسلامی است و از «مسئولیت انسان‌ها نسبت به سرنوشت جامعه» فهمیده می‌شود و یکی از مهم‌ترین معروف‌ها، برپایی حکومت حق و عدل است که باید مردم امر کنند و در حقیقت، نشانگر مسئولیت مردم است (خامنه‌ای، بیانات در سی‌ودومین سالگرد رحلت امام خمینی، ۱۴/۳/۱۴۰۰، <https://khl.ink/f/47991>).

گزاره قرآنی ﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾^۲ به جهت حق ولایتی آحاد مؤمنان در مناسبات اجتماعی، بیانگر عمومیت وظیفه امر به معروف و نهی از منکر در نظام اسلامی است و روح انقلابی اسلام، امر به معروف و نهی از منکر بوده که ضامن بقا و دوام نظام اسلامی است (خامنه‌ای، ۱۴۰۱ (ب): ص ۳۹۹-۴۰۸) و قاعده «النصيحة لائمة المسلمين»^۳ از ابزارهای نظارتی بر ولی فقیه است (خامنه‌ای، بیانات در بیانات با نمایندگان یازدهمین دوره مجلس، ۲۲/۴/۱۳۹۹، <https://khl.ink/f/46045>).

ایشان در پذیرش نهادهای نظارتی و کنترلی از ناحیه مردم، با استناد به وجود عناصر نظارتی مانند اصل شورا، نصیحت به رهبر جامعه و اصل امر به معروف و نهی از منکر، آن را حق طبیعی انسان‌ها و تنها راه حفظ نظام اسلامی بیان می‌کنند (اقبال، ۱۳۹۶: ص ۹-۳۵) چرا که سازوکار امر به معروف و نهی از منکر زمانی به ساخت یک جامعه الگو و تمدن نوین اسلامی می‌انجامد، که به مثابه یک حق عمومی برای نظارت همگانی قرار گیرد.

۱. حج: ۴۱.

۲. توبه: ۷۱؛ آل عمران: ۱۰۴.

۳. کلینی، ۱۳۸۲: ج ۱، ص ۴۰۳، ح ۱؛ بحار الأنوار، ۱۴۰۳، ج ۲۷، ص ۳۶۹.



مردم‌سالاری دینی به نوعی امتداد اجتماعی محور بودن انسان در عالم هستی و نقش عالی وی در تحولات بزرگ است. در واقع انسان‌ها و توده مردم، محور تحولات و تغییرات عظیم در اجتماع هستند (موسوی و دیگران، ۱۴۰۳: ص ۳۰-۵۳). در منطق قرآنی معظمه، انسان محور عالم هستی و به نوعی، هستی با اراده خداوند بر محور وجود انسان می‌چرخد و حتی انبیاء الهی نیز برای تحقق قسط و برپایی حکومت عادلانه، از ظرفیت حضور و قدرت مردم بهره‌برداری می‌کردند:

﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾^۱ (خامنه‌ای، بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱/ ۱۱/ ۱۳۷۱، <https://khl.ink/f/2650>). به عبارتی در نگاه ایشان، ﴿لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾ یعنی «لِيُقِيمَ النَّاسُ الْقِسْطَ»؛ این وظیفه مردم است که در محیط زندگی خودشان اقامه قسط کنند.» (خامنه‌ای، بیانات در دیدار با اعضای خبرگان رهبری، ۲۱/ ۱۲/ ۱۳۹۳، <https://khl.ink/f/29151>). این فرضیه با وجود دال بر مسئولیت سیاسی - اجتماعی مسلمانان، بر حقوق عمومی و نقش‌آفرینی مردم در جامعه سیاسی نیز دلالت می‌کند؛ به گونه‌ای که اگر محقق گردد، موجبات ثبات حکمرانی سیاسی را فراهم می‌سازد. حقیقت آن است که اگر برای مردم در جامعه سیاسی «حق دخالت و تصرف در مقدرات سیاسی» وجود نمی‌داشت، هرگز مکلف به چنین وظیفه خطیری نمی‌شدند. لذا بر اساس اصل قرآنی ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ﴾^۲ خداوند متعال این مهم را از مردم مطالبه می‌نماید و مردم مخاطب ادای امانت و اقامه قسط و تشکیل حکومت عادلانه هستند.

دقیقاً از همین منظر در نظام سیاسی موضوع انتخابات، یک مسئله حیاتی است. مردم‌سالاری دینی به واقع، داعیه تحقق حق مشارکت سیاسی را نداشته و این حق، با سرشست و ماهیت آدمی عجین است؛ بلکه فراتر از آن، انتخابات هم حق مردم است، هم وظیفه و تکلیف الهی. به باور ایشان، مظهر مردم‌سالاری اسلامی، حضور مردم در انتخابات است و با استناد به آیه شریفه ﴿وَلَا يَطَّوَّنَ

۱. حدید: ۲۵. 1

۲. نساء: ۵۸. 2



مَوْطِنًا يَغِيظُ الْكُفَّارَ وَلَا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوِّ نَبِيلًا إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ ﴿۱﴾، هر عمل و اقدامی را که دشمن از آن ناخشنود باشد، از جمله شرکت در انتخابات را، مصداق عمل صالح دانسته‌اند. ۲ (خامنه‌ای، بیانات در آستانه انتخابات، ۲۶ / ۳ / ۱۴۰۰، <https://khl.ink/f/48061>). همچنین شرکت در انتخابات از مصادیق همکاری در استقرار و استمرار نظام ولایت دینی است؛ در نتیجه «هر آنچه تعاون و مشارکت مردم در آن تأثیرگذار است، از مصادیق تقواست»: ﴿وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى﴾ ۳ (خامنه‌ای، بیانات در دیدار لئمه جمعه سراسر کشور، ۲۶ / ۱۰ / ۱۴۰۲، <https://khl.ink/f/54960>).

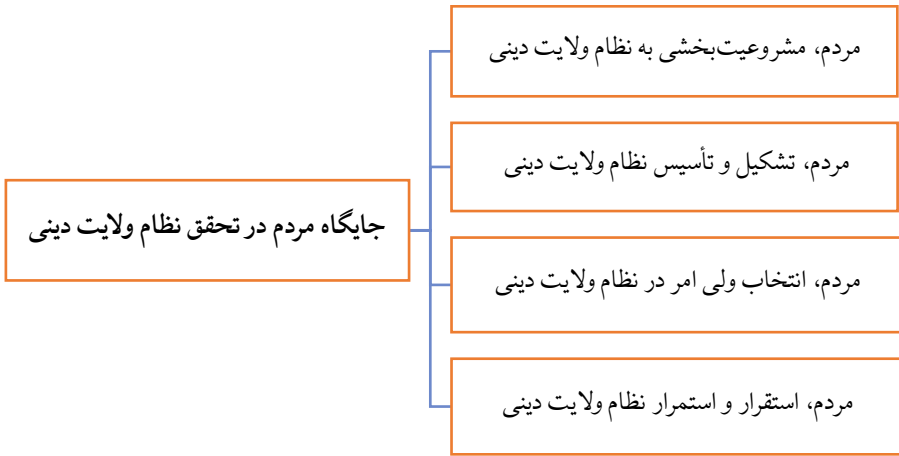
همچنین معظم له در تبیین حاکمیت آرمان شهر مهدوی، آن را «یک حکومت مردمی به تمام معنا» توصیف کرده و می‌فرماید: «یعنی متکی به ایمان‌ها و اراده‌ها و بازوان مردم است. امام زمان، تنها دنیا را پُر از عدل و داد نمی‌کند؛ امام زمان از آحاد مؤمن مردم و با تکیه به آن‌هاست که بنای عدل الهی را در سرتاسر عالم استقرار می‌بخشد و یک حکومت صددرصد مردمی تشکیل می‌دهد.» (خامنه‌ای، بیانات در ۳۰ / ۷ / ۱۳۸۱، <https://khl.ink/f/3149>). در نتیجه، مسئله «مردم» یک اصل اصیل اسلامی است که پیمودن مسیر تمدن نوین اسلامی و زمینه‌سازی ظهور و بنیان تمدن مهدوی جز با حضور، توجه و مبادرت مردم امکان‌پذیر نیست (خامنه‌ای، بیانات در دیدار با لئمه جمعه سراسر کشور، ۲۶ / ۱۰ / ۱۴۰۲، <https://khl.ink/f/54960>). از این رو مردم‌سالاری دینی مبدأ بنیان تمدن نوین اسلامی در جهان معاصر است. افزون بر رهیافت‌های ناظر به درون نظام جمهوری اسلامی، الگوی نظام مردم‌سالاری دینی را می‌توان «الگوی بی‌بدیل جهانی و مطلوب» دانست که قادر است در شرایط کنونی سایر نظام‌های اسلامی، به اقتضای شرایط آن جامعه و با کاربست شیوه‌هایی حکیمانه، تحقق یابد. در پایان، دستاوردهای پژوهش در یک برآیند کلی در شکل زیر به تصویر کشیده شده است.

۱. برانت: ۱۲۰.

۲. عصر: ۳.

۳. مانده: ۲.





نتیجه‌گیری

در اندیشه فلسفه سیاسی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، نقش «مردم» در چارچوب نظام اسلامی به‌عنوان یکی از ارکان اساسی مشروعیت نظام ولایت فقیه شناخته شده است. این اندیشه مبتنی بر آیات الهی و سیره علوی، معتقد است که مشروعیت سیاسی، نه تنها از متن اسلام ناب، بلکه از مشارکت فعال و آگاهانه مردم نیز نشئت می‌گیرد. ماهیت نظام و حاکمیت سیاسی اسلام، ماهیتی برخاسته از دورکن بنیادین متن «اسلام ناب» و به شکل «مردم‌بنیان» است که می‌توان از آن با عنوان مشروعیت دوگانه «الهی - مردمی» نام برد. از این رو در تحلیل جایگاه و نقش مردم می‌توان گفت که در اندیشه سیاسی معظم‌له، برخلاف سایر متفکران اسلامی، نقش آفرینی مردم از حد مقبولیت و کارآمدی فراتر رفته و به پایه دوم مشروعیت بخشی به نظام ولایت دینی ارتقا یافته است. به عبارتی، مردم به‌عنوان منبع و پایه مشروعیت بخشی به نظام ولایت دینی، در فرآیند انتخاب ولی فقیه، تشکیل و تأسیس نظام ولایت دینی، و استمرار و استقرار و نظارت بر حاکمیت، نقشی بنیادین ایفا می‌کنند. این مشارکت می‌تولند از طریق فرآیند انتخابات و یا اظهار نظر عمومی و نظارت همگانی در مورد شرایط رهبری و حاکمیت صورت گیرد.

به باور معظم‌له، حاکمیت انسان بر سرنوشت اجتماعی خویش بر مبنای اصل مساوات و برابری، خلافت الهی، شورا، و حق آزادی انسان، از جمله حقوق بنیادین اوست و با اعمال این حق عمومی، مردم‌سالاری دینی محقق می‌گردد. در نهایت مردم‌سالاری دینی، رکن تحقق حکمرانی نظام ولایت دینی و بنیان تمدن اسلامی است و بدون این حمایت، امکان تحقق واقعی و اصیل نظام ولایی وجود ندارد. این امر نیازمند تلاش متمرکز، بر تقویت سازوکارهای مشارکتی و ارتقای آگاهی عمومی در جامعه است. این رویکرد، به‌ویژه در شرایط معاصر سایر نظام‌های اسلامی، می‌تواند به‌عنوان الگویی مطلوب برای تقویت مشارکت‌های اجتماعی و سیاسی مورد توجه قرار گیرد.



فهرست منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۳۹۶). لسان العرب، بیروت، دار إحياء التراث العربی.

اشرفی، اکبر (۱۳۹۸). «از ولی منتخب مردم تا مردم سالاری دینی»؛ (بررسی جایگاه مردم در «نظام ولایت» از منظر امام خمینی و آیت الله خامنه‌ای)، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، دوره ۹، ش ۳۳، پیاپی ۳۳، صص ۱-۱۴.

اشرفی، اکبر (۱۴۰۱). «گفتمان مردم سالاری اسلامی در اندیشه سیاسی آیت الله خامنه‌ای»، فصلنامه گفتمان سیاسی انقلاب اسلامی، دوره ۱، ش ۲، پیاپی ۲، صص ۲۲-۴۲.

اشیری، سعید (۱۳۹۳). دوران جدید عالم، چ دوم، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی.

اقبال، حدیث (۱۳۹۶). «نقش و جایگاه مردم در الگوی مردم سالاری اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری»، فصلنامه بصیرت و تربیت اسلامی، ش ۴۰، پیاپی ۴۰، صص ۹-۳۵.

پورفرد، مسعود (۱۳۸۸). مردم سالاری دینی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

جمعی از نویسندگان (۱۳۸۳). تبیین مردم سالاری دینی، چ اول، قم، مؤسسه امام خمینی.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸). ولایت فقیه، ولایت قهاهت و عدالت، چ اول، قم، اسراء.

حاجی انزهایی، محمدرضا (۱۳۹۶). صورت و سیرت انقلاب اسلامی در بیانات رهبر معظم انقلاب، چ اول، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی.

حائری یزدی، مهدی (۱۹۹۵). حکمت و حکومت، انگلستان، شادی.



حسینی خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۰). انسان ۲۵۰ ساله، مرکز صهبا، چ اول، تهران، مؤسسه ایمان جهادی.

حسینی خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۱). ولایت و حکومت، تهران، مؤسسه ایمان جهادی.

حسینی خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۲). طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، چ چهارم، تهران، مرکز صهبا.

حسینی خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۶). بیان قرآن؛ تفسیر سوره براءت، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی.

حسینی خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۷). بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، <https://khl.ink/f/41673>.

حسینی خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۷). بیان قرآن؛ تفسیر سوره مجادله، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی.

حسینی خامنه‌ای، سید علی (۱۴۰۱) الف. بیان قرآن؛ تفسیر سوره تغابن، چ سوم، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی.

حسینی خامنه‌ای، سید علی (۱۴۰۱) ب. بیان قرآن؛ تفسیر سوره ممتحنه، چ سوم، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی.

حسینی خامنه‌ای، سید علی (۱۴۰۱) ج. بیان قرآن؛ تفسیر سوره حشر، چ دوم، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی.

حسینی خامنه‌ای، سید علی (۱۴۱۵ق). الحکومه فی الاسلام، ترجمه هادی رعد، بیروت، دارالروحة.

حقی، محمد (۱۳۹۷). انقلاب اسلامی؛ مبانی و ویژگی‌ها با تأکید بر اندیشه‌های امام خمینی و مقام معظم رهبری، قم، نشر المصطفی.



خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۹۶). منظومه فکری آیت الله العظمی خامنه‌ای، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

سایت دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری، <https://farsi.khamenei.ir>.

سعیدی، مهدی (۱۳۹۲). مردم‌سالاری دینی از منظر آیت الله خامنه‌ای، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

شبان‌نیا، قاسم (۱۴۰۱). «تحلیل جایگاه مردم در حکومت اسلامی در اندیشه علامه مصباح یزدی»، حکومت اسلامی، دوره ۲۷، ش ۴، پیاپی ۱۰۶، ص ۵-۲۶.

صدر، محمد باقر (۱۳۹۹ق). خلافة الانسان و شهادة الانبياء، تهران، جهاد البناء.

طریحی، فخر الدین (۱۳۷۵). مجمع البحرين، تهران، منتظری.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۲). کافی، ج ۱، تهران، کتابفروشی اسلامیه.

گنجی، عبدالله (۱۴۰۱). موبه مو، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی.

محسنی نیکو، سید عبدالمناف؛ محمدرضا قاندي؛ حمیدرضا حقیقت (۱۴۰۲). «بررسی فرهنگ مردم‌سالاری دینی در قرآن کریم»، مطالعات میان‌فرهنگی، ش ۱۸، پیاپی ۵۵، ص ۱۵۵-۱۷۸.

محمدی، منوچهر (۱۳۸۵). آزادی در نگاه رهبر معظم انقلاب، چ اول، تهران، مؤسسه فرهنگی انقلاب اسلامی.

مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمة الاطهار، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

مرکز فرهنگ و معارف قرآن (۱۳۸۷). برگزیده فرهنگ قرآن، چ اول، قم، بوستان کتاب.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۰). پرسش‌ها و پاسخ‌ها، ولایت فقیه و خبرگان، قم، مؤسسه امام خمینی.



مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۴). حکیمانۀترین حکومت؛ کاوشی در نظریه ولایت فقیه، چ ۴، تحقیق و نگارش: قاسم شبان‌نیا، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

مصباح یزدی، محمدتقی؛ محمدجواد نوروزی (۱۳۸۸). مردم‌سالاری دینی و نظریه ولایت فقیه، قم، مؤسسه امام خمینی.

مهاجرنیا، محسن (۱۳۹۳). فلسفه سیاسی آیت الله خامنه‌ای، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

منتظری، حسینعلی (۱۳۷۸). حکومت دینی و حقوق انسان، قم، ارغوان دانش.

موسوی‌الخمنی، سید روح‌الله (۱۳۷۳). ولایت فقیه، چ اول، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

موسوی، سید مصطفی؛ سید محمدهادی راجی (۱۴۰۳). «جایگاه مردم‌سالاری دینی در صورت‌بندی اصول جهان‌بینی و ایدئولوژی اسلامی از منظر آیه‌الله خامنه‌ای»، حکومت اسلامی، سال ۲۹، ش اول، پیاپی ۱۱۱، ص ۳۰-۵۳.

یزدی، ابراهیم، دبیر کل نهضت آزادی، پیام هاجر، ش ۲۳۳، سال ۱۳۷۷.



